

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کره در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۸۱۲ سه شنبه ۳۰ آذر ۱۴۰۰ ۳۱ دسامبر ۲۰۲۱



پیام تسلیت مصطفی هجری در رابطه با اعدام شهید «حیدر قربانی»

مکن پیام بچن شمع است:
(رژیم انسانکش جمهوری اسلامی ایران «میدر قربانی» یکن دیگر از فرزندان کوردستان را اعدام کرد.
«میدر قربانی»، فرزند شهید «علی»، آزادیخواهی وطنپرست و با اراده‌ای بود که همپون دیگر جوانان کوردستان ایران،
استوار ایستاد و تسلیم رژیم ایران نشد و این چنین برای همیشه در دل همه آزادیخواهان و میهن دوستان کوردستان،
جاودانه شد.
«کوردستان با داشتن این چنین فرزندان آزادیخواه، سرفراز است و امیدوار به آزادی..»
مراتب همدردی و تسلیت خود را به خانواده و دوستان «میدر» و همپنن مردم وفادار و مبارز «کامیاران» و همه
کسانی که قلبشان برای آزادی مرتجید عرض مینمایم.
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

حزب دمکرات کوردستان ایران
مسئول اجرایی
مصطفی هجری
۲۱ آذر ماه ۱۴۰۰ خورشیدی
۱۵ دسامبر ۲۰۲۱ میلادی

www.kurdistanmedia.com



اهمیت و کاربرد علم
روانشناسی برای
سازمان‌های اطلاعاتی
رژیم نامشروع
جمهوری اسلامی

۷



انقلاب در ایران

۶



از شنو تا کامیاران

۵



تمرکزگرایی، توسعه
نامتوازن و
ورشکستگی زیست‌محیطی

۴

پیشمرگه

الگوی فداکاری ملت

سخن

«حق» به دار
زده نمی‌شود

کریم پرویزی

زمانی که حاکمان توتالیتر
نخواستند صدای حق طلبی را
بشنوند، منصور حلاج را به دار
زدند، به جرم این که می‌گفت
«انالحق»، حاکمان به این خیال
بودند که اعدام راه حلی مناسب
برای نشنیدن و حذف کردن است،
چرا که ترس از مرگ و به فنا
رفتن همه زندگیشان را فرا گرفته
بود و تنها و تنها لذت خون آشامی
خود برایشان اهمیت داشت و در
ذهن خود این طور می‌پنداشتند
که اعدام همان ترس بزرگی است
که با آن از مردم زهر چشم بگیرند
و صدای «حق خواهی» را خفه
میکنند.

آمران به دار آویختن منصور حلاج
مردند و با حقارت به فنا رفتند
و تاریخ برای همیشه از آنها به
عنوان دیوشتان یاد و روایت
خواهد کرد. نام و یاد منصور
حلاج نیز جاودان و نسل به نسل
«انالحق» او بازگو و بازتاب
صدای حق خواهی انقلابیون خواهد
بود.

صدها سال پس از آن، بر روی
همان تخت ظلم و ستمکاری،
تاریک پرستان جماران تکیه زدند
و دستور به دار آویختن صادر
می‌کنند. آنها با خیال خود با
اعدام فرزند شهید علی دیگر ترس
خود را فروکش کرده و صدای
حق طلبی را برای همیشه خفه
می‌کنند.

در خیال خود با کشتن شهید علی
و دیگر شهیدان، خواهند توانست
صدای حق طلبی ملت کورد و
کوردستانی‌ها را خفه و تسلیم
اراده توتالیتری خود در تهران
کنند، غافل از این که فرزندان
شهیدان و جوانان فهمیده و هشیار
کورد و «حیدر»‌ها به میدان آمده



پرویزی، ربیوار عبیدی و رحمان
غفوری». این لوائج از سوی
«مصطفی هجری» مسئول اجرایی
حزب دمکرات کوردستان ایران
تقدیم این پیشمرگه‌ها شد.

در بخشی دیگر از این مراسم به
مناسبت روز پیشمرگه کوردستان
از سوی معاون دوم مسئول اجرایی،
محمد نظیف قادری، لوح تقدیر
به «دیاکو مسعودی و شاهو
غفوری» از کادرهای آموزشی
دستگاه فرماندهی حزب دمکرات
اهدا گردید.

در بخشی دیگر از این مراسم
شعری از سوی «احسان رستگار»
پیشمرگه کوردستان ارائه شد. در
پایان سرودی از سوی هنرمندان
«نظام سجادی و جعفر دوستالی»
تقدیم شد.

این مسئله مهم را مورد بحث قرار
داد و سپس در نوروز سال ۱۳۹۵
خورشیدی دبیرکل حزب دمکرات
مژده مبارزه‌ای نوین را اعلام کرد
که نتیجه آن راسان روژه‌لالت
بود.

در ادامه این مراسم، سرودی از
سوی گروه موسیقی حزب دمکرات
تقدیم شد.

سپس از پیشمرگه‌هایی که مدت
۲۰ سال است در صفوف مبارزه
هستند قدردانی شد و دراین رابطه
به رسم هر ساله به کسانی که بیست
سال از مدت پیشمرگه‌بودنشان
میگذشت لوح تقدیر اهدا شد، که
عبارت بودند از: «کریم پرویزی،
طاهر محمودی، اسماعیل رحمانی،
فریده حسین زاده، فرزاد رضایی،
حسین آقایی، کیوان فاتحی، رضا

نیروی پیشمرگه کوردستان در مورد
مراحل مختلف مبارزه پیشمرگه و
چگونگی نامگذاری روز پیشمرگه
تشریح شد. در این پیام به راسان
و نقش پیشمرگه در این مرحله از
مبارزه اشاره شد.

«بهرامی» در این زمینه بیان
داشت: «شرایط مبارزه در
کوردستان ایران به ما یادآوری
نمود که ضروری است باری دیگر
نیروی پیشمرگه کوردستان با
شکوهی دیگر با در نظر گرفتن
وضعیت کوردستان به مرحله نوینی
از مبارزه گام نهد. در این راستا
رهبری حزب دمکرات کوردستان
ایران در سال ۱۳۹۴ خورشیدی و
در پلنوم کمیته مرکزی با هدف
توانمندکردن مبارزه و حضور
فعالانه پیشمرگه در کوردستان

«بهرامی» در بخشی از پیام خود
اظهار داشت: «پیشمرگه انسانی
هوشیار، سیاسی و آگاه جامعه
کوردستان است که برای تحقق
حق و تعیین سرنوشت ملت کورد
علیه دیکتاتوری و ارتجاع و بی
عدالتی قد علم کرده است. تفاوت
اسلحه پیشمرگه با نظامیان وابسته
به سیستمهای دیکتاتوری در این
است که پیشمرگه برای عدالت
مبارزه می‌کند و هدف وی رهایی
ملت خویش است. اما اسلحه
دیکتاتورها برای سلطه، پایمال
کردن حق و آزادی ملت‌ها است، به
ویژه نظامیان رژیم ایران که اسلحه
ترور و کشتار، اعدام‌های دسته
جمعی و ویرانکردن دیگر ملت‌های
ایران را به دست گرفته‌اند».

در ادامه پیام دستگاه فرماندهی

روز پنجمه‌ممه ۲۵ آذرماه ۲۷۲۱
کوردی در یکی از مقرهای حزب
دمکرات کوردستان ایران مراسم
۲۶ آذرماه روز پیشمرگه کوردستان
با حضور شماری از اعضای
رهبری، کادر، پیشمرگه و خانواده
پیشمرگه‌ها برگزار گردید. این
مراسم با سرود ملی «ای رقیب»
و چند لحظه سکوت به پاس
گرامیداشت روح شهیدان کوردستان
آغاز شد.

سپس پیام روز پیشمرگه کوردستان
از سوی «کاوه بهرامی» مسئول
دستگاه فرماندهی نیروی پیشمرگه
کوردستان تقدیم شد.

در این پیام به نقش و تاثیرات
پیشمرگه و تفاوت پیشمرگه با
نیروهای مسلح دیگر اشاره شده
بود.

مصطفی هجری روز پیشمرگه کوردستان را تبریک گفتند



«مصطفی هجری»، مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران، طی پیامی به مناسبت ۲۶ آذر، روز پیشمرگ کوردستان را تبریک گفتند.

متن پیام این چنین است:

پیشمرگان کوردستان سمبل مقاومت ملتند، برای همین است که مایه افتخار و سربلندی ما هستند. ۲۶ آذر روز پیشمرگ کوردستان، بر همه ملت کورد و تمامی پیشمرگانی که در سنگرهای «شاخ و شار» با جان خود از

موجودیت ملتشان دفاع می‌کنند، مبارک باد.

مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران مصطفی هجری ۲۴ آذر ماه ۱۴۰۰ خورشیدی ۱۵ دسامبر ۲۰۲۱ میلادی

پیام مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت روز معلولین در صفوف مبارزه

مبارزانی را پاس بداریم و با نهایت همدردی به بخشندگی و وجودشان افتخار کنیم. سلام و درود بر تمامی بخشندگانی که گران‌بهاترین سرمایه‌های خویش، بخشی از اعضا و اجزای بدنشان را در راه مبارزه و رهایی ملت و سرزمین کوردستان تقدیم کرده‌اند.

حزب دمکرات کوردستان ایران مسئول اجرایی مصطفی هجری ۱۶ آذر ماه ۱۴۰۰ خورشیدی

و جان‌فشانی معلولین در سنگر انتخاب شده است. در این روز و در سال ۱۳۶۶ خورشیدی فرمانده قهرمان سپاه پیشمه‌رگه کوردستان، ماموستا «حسه‌ن شیوه‌سه‌لی» در یک اقدام تروریستی دشمنان ملت کورد بخشی از اعضای بدنش را از دست داد.

در صفوف مبارزه ملت کورد، صدها نفر با نهایت جان‌فشانی بخشی از بدن خود را در این راه از دست داده‌اند، به همین دلیل در چنین روزی باید جان‌فشانی، قهرمانی و بخشندگی چنین

«مصطفی هجری» مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران، به مناسبت ۱۶ آذر ماه روز معلولین حزب دمکرات، پیامی را منتشر کرد.

متن پیام به این شرح است:

پیام به مناسبت روز معلولین در صفوف مبارزه

روز ۱۶ آذر ماه، از جانب شورای سیاست‌گذاری حزب دمکرات به عنوان روز پاس داشت از مبارزه

حیدر قربانی زندانی سیاسی کورد اعدام شد

الصاق پلاک اتومبیل به اتومبیل دیگر، شروع به آدم ربایی و تحصیل مال مسروقه» در شعبه ۱ دادگاه کیفری یک «سنه» محاکمه شده بود.

این زندانی سیاسی در شعبه ۱ دادگاه کیفری یک «سنه» به تحمل سه فقره حبس تعزیری هر کدام به مدت ۳۰ سال از بابت سه فقره بزه معاونت در «قتل عمد» و «همکاری با یکی از احزاب کورد اپوزیسیون رژیم ایران» (با اعمال فراز دوم از ماده ۱۳۴ از قانون مجازات اسلامی) محکوم شده بود.

همچنین شعبه ۱ دادگاه کیفری یک «سنه» این زندانی سیاسی کورد را به دو فقره شلاق تعزیری هر کدام به تعداد ۱۰۰ ضربه از بابت دو فقره تحصیل دو دستگاه خودروی پژو ۴۰۵، به تحمل دو فقره حبس تعزیری هر کدام به مدت ۱۵ ماه از بابت دو فقره بزه الصاق پلاک خودرو، به تحمل ۶ سال حبس تعزیری از بابت بزه شروع آدم‌ربایی، به تحمل سه فقره حبس هر کدام به مدت ۴ سال از بابت سه فقره بزه مبنی بر تلاش و مساعدت جهت خلاصی متهمین (با اعمال فراز دوم از ماده ۱۳۴ از قانون مجازات اسلامی) محکوم کرده بود.

«حیدر قربانی» در شعبه اول دادگاه انقلاب «سنه» نیز به اتهام «بغی» محاکمه و روز سه‌شنبه ۸ بهمن‌ماه ۹۸ رسماً حکم اعدام به همین اتهام به این زندانی سیاسی کورد در زندان «سنه» ابلاغ شده بود.

تحقیقات درباره پرونده این زندانی سیاسی از سوی شعبه اول بازپرسی دادسرای کامیاران، پلیس آگاهی و اداره اطلاعات کامیاران صورت گرفته است.



است.

«حیدر قربانی»، زندانی سیاسی کورد اهل شهرستان کامیاران ۲۰ مهرماه سال ۹۵ بازداشت و نیروهای امنیتی وی را متهم به قتل چند تن از عوامل رژیم کرده بودند.

اسفند ماه همان سال تلویزیون انگلیسی زبان رژیم «پرس تی‌وی» با نشان دادن مستندی به نام «راننده مرگ» اقدام به پخش بخشی از فیلم اعترافات اجباری تلویزیونی این زندانی سیاسی کورد کرده بود.

این زندانی سیاسی ۱۴ مهرماه ۹۸ به اتهام‌های «ایراد جراحات و صدمه با اسلحه، معاونت در قتل عمدی، تلاش و کمک جهت خلاصی از تعقیب و محاکمه و مجازات، معاونت در قتل عمدی،

مال مسروقه و تغییر در ارقام و مشخصات شماره پلاک و شاسی موتور وسایل نقلیه موتوری و شرکت در قتل عمدی مسلمان و شروع به آدم ربایی و شروع به قتل عمدی و کمک به مجرم برای خلاصی از محاکمه و مجازات و معاونت در قتل عمدی و معاونت در قتل عمدی غیر مستوجب قصاص که موجب اخلال در نظم جامعه شود طی شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۱۰۰۰۱۸۳ مورخ ۲۰/۰۳/۱۳۹۹ رأی مورد اعتراض به علت نقص تحقیقات نقض شد. نقض حکم صادره علیه «حیدر قربانی» در حالی است که نوزدهم خردادماه شعبه ۲۷ دیوان عالی ایران رأی صادره پرونده این زندانی سیاسی را ابرام و حکم اعدام وی به اتهام «بغی» را تأیید کرده

علت نقص تحقیقات، نقض کرده بود.

شعبه □□ دیوان عالی ایران در پرونده معاونت در قتل، به دلیل نقص تحقیقات، پرونده را به دادگاه «سنه» ارجاع داده اما پرونده دیگر که منجر به صدور حکم اعدام شده، از سوی شعبه مذکور، تأیید شده است. در صورتی که با توجه به این‌که تحقیقات در مراحل اولیه بازداشت، توسط نهادهای امنیتی مشخص و رفتارهای یکسان صورت گرفته بوده، در صورت وجود نقص در پرونده، باید حکم کلیه پرونده‌ها نقض شود.

در یکی از این اسناد آمده است: نسبت به شکایات مطرحه علیه «حیدر قربانی» مبنی بر ایراد صدمه بدنی عمدی نسبت به مأمورین بسیج و تحصیل

محکوم به اعدام را رد کرده بود. روز چهارشنبه ۱۵ مرداد ۹۹، تأیید حکم اعدام این زندانی سیاسی کورد محکوم به اعدام در شعبه ۲۷ دیوان عالی ایران در قم ابلاغ شده بود. پس از تأیید حکم اعدام «حیدر قربانی» در دیوان عالی ایران، وکیل وی درخواست تجویز اعاده دادرسی در شعبه هم‌عرض دادگاه انقلاب «سنه» را کرد.

«سازمان حقوق بشری کورد پا» به اسنادی از پرونده «حیدر قربانی»، زندانی سیاسی کورد دست یافته که ۱۹ خرداد، شعبه ۲۷ دیوان عالی ایران حکم اعدام این زندانی سیاسی به اتهام «بغی» را تأیید و همان شعبه دیوان عالی ایران ۲۰ خرداد، رأی پرونده این زندانی سیاسی را به

بامداد روز یکشنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۰، «حیدر قربانی»، زندانی سیاسی کورد اهل شهرستان «کامیاران» در زندان «سنه» اعدام شد.

به گزارش رسیده به وبسایت کوردستان میدیا، این زندانی سیاسی بدون اطلاع خانواده‌اش اعدام و اجازه آخرین ملاقات به خانواده‌اش داده نشده است. در گزارش آمده که جنازه «حیدر قربانی» به خانواده‌اش تحویل داده نشده و توسط نیروهای امنیتی و در مکانی نامعلوم دفن شده است. این منبع مطلع اظهار داشت: «حسن قربانی» برادر این زندانی سیاسی نیز توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده است.

روز دوشنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۰، خانواده «حیدر قربانی» به دادگستری کل استان «سنه» مراجعه و به آنان اعلام شد که درخواست اعمال ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری برای «حیدر قربانی» رد و پرونده وی جهت اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادگاه انقلاب شهرستان کامیاران ارجاع داده شده است.

آذرماه ۹۹، «صالح نیکبخت»، وکیل مدافع «حیدر قربانی» در گفتگو با یکی از خبرگزاری‌های وابسته به رژیم ایران خبر از درخواست اعمال ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری برای موکلش داده بود.

مهرماه ۹۹، جمعی از علماء دینی، ائمه جمعه و جماعت، مدرسین شهرهای «سنه، مهربان و کامیاران و برخی از نمایندگان مجلس رژیم در نامه‌ای به رئیس قوه قضاییه از وی درخواست کرده بودند که اعاده دادرسی تقدیمی «حیدر قربانی» از طرف وی پذیرفته شود.

شهریورماه ۹۹، دیوان عالی ایران اعاده دادرسی این زندانی سیاسی

اطلاعیه دستگاه تشکیلات کل حزب دمکرات کوردستان ایران در رابطه با اعدام شهید «حیدر قربانی»



افکار عمومی با حمایت چشمگیر خود حامی ایشان بودند. با وجود این حمایت گسترده، رژیم ایران مصر بود تا او را مجرم معرفی کرده و نهایتاً سرگاه یکشنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۰، در زندان «سنه» حکم اعدام تحمیل شده بر ایشان اجرا شده و به کاروان شهیدان ملت پیوست. حزب دمکرات کوردستان ایران ضمن عرض مراتب همدردی و تسلیت به خانواده محترم و دوستان شهید «حیدر قربانی»، خود را شریک غم و اندوهشان می‌داند.

دستگاه تشکیلات کل حزب دمکرات کوردستان ایران
۲۸ آذرماه ۱۴۰۰ خورشیدی
۱۹ دسامبر ۲۰۲۱ میلادی

سرگاه یکشنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۰، با شهید کردن «حیدر قربانی» لکهای دیگر بر کارنامه سیاه خود افزود.

شهید «حیدر قربانی» فرزند شهید «علی» مورخ ۲۰ مهر ۱۳۹۵ از سوی نیروهای امنیتی رژیم و با اتهام عضویت در حزب دمکرات کوردستان ایران و فعالیت در جنبش برحق ملت کورد دستگیر و زندانی شد. در این ۵ سال حبس با وجود شکنجه‌های بسیار از همه حقوقی که یک زندانی سیاسی باید داشته باشد، محروم و حتی اجازه ملاقات با خانواده خود را نیز نداشته است.

شهید «حیدر قربانی» هیچکدام از اتهامات مطرحه را نپذیرفته بود و در همان حال، آزادی خواهان و

دستگاه تشکیلات کل حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت اعدام شهید «حیدر قربانی» به دست رژیم اسلامی ایران، اطلاعیه‌ای را منتشر کرد. متن اطلاعیه به شرح زیر است:

آزادی خواهان جهان!
ملتهای آزادی خواه ایران!
مردم میهن دوست و مبارز کوردستان!

با نهایت تأسف به اطلاع عموم می‌رسانیم که بار دیگر حاکمیت رژیم آزادی کش جمهوری اسلامی ایران، یکی دیگر از فرزندان دلیر ملتمان، جوانی وطن پرست و دمکرات را از آغوش گرم کوردستان گرفت. رژیم جلا د ایران

بیانیه انجمن زیست‌محیطی «پیرانشار» در رابطه با پلمب «کافه کتاب اندیشه» توسط نیروهای امنیتی رژیم ایران

اطمینان می‌دهیم که فشارها نمی‌توانند مانع پیشروی مبارزه ما شوند و با چنین تقلاهای فعالیت‌های مدنی در پیرانشار متوقف نخواهند شد؛ بلکه با اشتیاق بیش از پیش ادامه خواهند یافت.

امیدوار و پایدار باشید!
انجمن زیست محیطی پیرانشار
۲۴ آذر ماه ۱۴۰۰ خورشیدی

ادامه سخن

تا با صدای شیوا فریاد آزادی و حق خواهی ملتشان را پژواک دهند. این بار نیز متحجران جماران و دار و دسته‌هایشان بر این باور بودند که تنها کاری که مانده و باید انجام دهند این است که فرزند شهید را هم اعدام کنند، با این توهم که تخم سرفرازی و حق طلبی را از کوردستان بزایند. روز یکشنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۰، دستور مرگ را صادر کردند، اما از این اقدام خود به هراس آمده! برای همین بود که شبانه و مخفیانه حیدر قربانی پسر شهید و فرزند مبارز وطن و رهرو مشی زنده یاد قاسملو را شهید کردند و از ترس پژواک فریاد شهید حیدر، مخفیانه و بدون حضور خانواده به خاک سپردند.

مثل همیشه غافل بودند از این که صدای حق طلبی به دار آویخته نمی‌شود. بلکه با یورش خود بر سر حقیقت موجب گسترده‌تر شدن بانگ حق خواهی و حقیقت خواهند شد و همان روز مردم شهرستان کامیاران جلو منزل شهید حیدر جمع شده و فریاد زدند که شهید زنده است همچون کوهستان و شهر، همچون خیزش دوباره برای احیای مبارزه، همچون شکوفا شدن نسلی مبارز و دلیر، همچون فصل راسان.

از جمله کمپین‌های کرمانشان و کوتول، به همراه مرکز مدنی کافه کتاب اندیشه و با پشتیبانی مردمان، وظیفه ملی خود را به انجام برسانیم و بی شک این فعالیت‌های مشترک را به عنوان برگ زرینی در تاریخ انجمن خود به شمار خواهیم آورد.

در اینجا تاکید می‌کنیم که حمله با اسلحه به مرکز مدنی اندیشه را حمله به کتاب، کتابخانه و این جریان ترقی‌خواه دانسته و بر این باوریم که بکارگیری زور علیه مرکزی مدنی، نشان دهنده نهایت ضعف و شکست تفنگ در برابر قلم است.

به همین دلیل ما به عنوان انجمن زیست محیطی پیرانشار، پلمب کافه اندیشه و به‌کارگیری خشونت علیه مدیران این مرکز را به شدت محکوم می‌کنند.

در پایان، به همشهریان و هم‌میهنان

توسط نیروهای وزارت اطلاعات پلمب شد.

«کافه کتاب اندیشه»، به عنوان مرکزی مدنی و تاثیرگذار و صاحب سخن، طی شش سال فعالیت خود، خیلی سریع به یک انجمن تبدیل و توانست اعتماد و پایگاه اجتماعی خود را در دل اقشار مختلف پیرانشار جای کند و همچنین با سر دادن شعار «کافه کتاب اندیشه گهواره تفکر آزاد» و با فریاد زلال حق طلبی فعالان مدنی و با برگزاری مجموعه محافل، پانل علمی، فعالیت‌های پرورشی و میدانی و...، تاثیر خود را بر پیکر هویت‌خواهانه ملت خود بر جای بگذارد.

همان‌طور که مطلع‌اید، با فرمانی غیر قانونی و تحمیلی، در روز ۲۲ آذر ماه، مرکز مدنی کافه کتاب اندیشه در شهر پیرانشار،



همان‌طور که مطلع‌اید، با فرمانی غیر قانونی و تحمیلی، در روز ۲۲ آذر ماه، مرکز مدنی کافه کتاب اندیشه در شهر پیرانشار،

کرد.

متن بیانیه به شرح زیر است:
کوردستانیان گرامی، فعالان مدنی و مشتاقان کتاب و کتاب‌خوانی!

تحصن سراسری معلمان در کوردستان و ایران



«سنه، لرستان، چهارمحال و بختیاری، کرمانشاه، مریان، سقز، بانه، جوانرود، تهران، اصفهان، یزد، بوشهر، کرمان، گیلان، البرز، خوزستان، فارس، قم، مرکزی، همدان و... اشاره کرد.

در این دو روز تدریسی در فضای مجازی نداشته باشند و برنامه شاد را تعطیل کنند. از جمله مدرسی که هم اکنون در کوردستان و ایران در تحصن سراسری معلمان شرکت کرده‌اند می‌توان به مدارس شهرهای

حضور دارند در این روزها ضمن حضور در مدرسه از رفتن به کلاس خودداری نموده و در دفتر مدارس تحصن نمایند.

همچنین این شورا از معلمانی که تدریس مجازی در شاد دارند، ضمن اطلاع رسانی و توجیه دانش‌آموزان،

طرح رتبه‌بندی را در روز یکشنبه ۲۱ آذرماه در مجلس خود تصویب کند.

این اقدام رژیم ایران در حالی است که اجرای کامل رتبه‌بندی بر اساس همترازی با حقوق اعضای هیات علمی دانشگاه، نیازمند حداقل ۷۶ هزار میلیارد تومان است. اگر قرار باشد در شش ماه دوم اجرا گردد، به ۳۸ هزار میلیارد تومان بودجه نیاز است.

بودجه ۱۲۰۵ هزار میلیارد تومانی رژیم تنها باعث افزایش حقوق بین یک تا سه میلیون تومان برای هر معلم خواهد شد که در تضاد آشکار با طرح رتبه‌بندی براساس هم‌ترازی و برنامه ششم توسعه و سند تحول بنیادین است.

شورای هماهنگی از تمام فرهنگیان درخواست کرده است که در روزهای شنبه و یکشنبه، ۲۰ و ۲۱ آذرماه معلمانی که تدریس

روز شنبه ۲۰ آذرماه ۱۴۰۰، تحصن سراسری معلمان کوردستان و ایران برای چندمین بار در حال برگزاری است.

این تحصن در پی فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان صورت گرفته است. فراخوان جدید شورای هماهنگی در اعتراض به طرح رژیم در موضوع هسمان‌سازی حقوق فرهنگیان است.

شورای هماهنگی معتقد است طرح رژیم نه تنها موجب افزایش حقوق فرهنگیان نخواهد شد بلکه درتضاد آشکار با طرح رتبه‌بندی می‌باشد زیرا در برنامه هم‌ترازی و برنامه ششم توسعه و سند تحول بنیادین اهدافی در نظر گرفته شده که حقوق و خواست معلمان را برآورده نمی‌کند.

رژیم ایران می‌خواهد با اختصاص تنها ۱۲۰۵ هزار میلیارد تومان

تمرکزگرایی، توسعه نامتوازن و ورشکستگی زیست‌محیطی

با آنها برای تغذیه منبع قدرت است و نه تکریم و پاسداشت جایگاه انسانی آنها!

این رویکرد بسیار فاجعه‌بار در دوره پهلوی نیز مشهود بوده است. برای نمونه سرکوب مردم چهارمحال و بختیاری و سپس تغییر مسیر سرچشمه کوهرنگ این استان به سمت نواحی مرکزی فلات ایران در همین راستا بوده است. اقداماتی که با شعار تشکیل و تحکیم آنچه «دولت مدرن» خوانده می‌شد؛ انجام گرفت و نتایج آن جز ورشکستگی کامل زیست‌محیطی نبود.

تبعات این مسئله نه تنها در مسائل زیست‌محیطی، بلکه بر سایر ابعاد و سویه‌های زندگی مردمان ساکن این جغرافیا مشهود بوده است. در حال حاضر بسیاری از داروهای ضروری بیماران تنها در تهران قابل دسترسی است و سیستم بروکراسی اداری و قضایی نیز و منابع تصمیم‌گیرنده و تصمیم‌ساز در تهران انباشته شده‌اند. فجایی که باعث مهاجرت از روستاها به شهرها، از شهرهای کوچکتر به مراکز استان‌ها و از آنجا به پایتخت شده است و در موارد نیز که اخیرا بیشتر نمود پیدا کرده به مهاجرت به کشورهایی مانند ترکیه منتهی شده است.

بر این اساس، باید گفت که جمهوری اسلامی آنچه را انجام داده است بر اساس ضروریاتی



عقلانیت حکم می‌کند، توسعه واحدهای صناعی مانند فولاد و اگر چنین نبود، جمهوری از اوایل دهه هفتاد و همزمان با آغاز سدسازی‌های غیراصولی، بارها از سوی مجامع و شخصیت‌های آکادمیک داخلی و خارجی مورد خطاب قرار گرفت، اما

بودن آن است که باعث نادیده گرفتن اساس معضل شده است. اگر چنین نبود، جمهوری از اوایل دهه هفتاد و همزمان با آغاز سیاسی باشد، پایگاه اجتماعی حاکمیت را - بر اساس مختصات دستگاه فکری حاکمیت - متزلزل می‌سازد. همین امر موجب شده است که با وجود نیمه‌بیابانی بودن

داریم، باید گفت عوامل حکومت بر انباشت قدرت و ثروت بیش از برنامه و عقلانیت گرایش دارند، دلیل چنین امری نیز به ایدئولوژیک بودن حاکمیت و تمرکز به «وابسته‌سازی دیگری» و «فربه‌سازی خودی‌ها» مرتبط است. به این معنا که مناطقی

داریم، باید گفت عوامل حکومت بر انباشت قدرت و ثروت بیش از برنامه و عقلانیت گرایش دارند، دلیل چنین امری نیز به ایدئولوژیک بودن حاکمیت و تمرکز به «وابسته‌سازی دیگری» و «فربه‌سازی خودی‌ها» مرتبط است. به این معنا که مناطقی

طبق شناختی که از ماهیت عقلانیت‌گرایز جمهوری اسلامی داریم، باید گفت عوامل حکومت بر انباشت قدرت و ثروت بیش از برنامه و عقلانیت گرایش دارند، دلیل چنین امری نیز به ایدئولوژیک بودن حاکمیت و تمرکز به «وابسته‌سازی دیگری» و «فربه‌سازی خودی‌ها» مرتبط است. به این معنا که مناطقی که پایگاه اجتماعی حاکمیت مفروض داشته شده‌اند در اولویت فربه‌سازی و مناطقی که یحتمل پایگاهی برای مخالفان به ویژه اتنیسیته‌ها هستند؛ تحت دستورالعمل وابسته‌سازی هدایت و اداره می‌شوند.

بوده که ماهیت اقتدارگرا و عقلانیت‌گرایز آن، ایجاد کرده است و اگرچه این نوشته کوتاه، مجال واکاوی جامعی را از این حیث سلب می‌کند، اما به مثابه مدخلی برای واکاوی و ریشه‌یابی اساسی ورشکستگی زیست‌محیطی ایران است و نشان می‌دهد که کلیدواژه‌های متداولی مانند «سوءمدیریت»، «فقدان آگاهی» و حتی توسعه نامتوازن نمی‌توانند اصل و مبنای تصمیمات فاجعه‌بار حاکمیت را به وضوح تبیین کنند.

این تحلیل بار دیگر ما را به این نتیجه می‌رساند که برای گذار از دوره استبدادی دیرپای مسلط بر این جغرافیا، ضروری است که مبانی اخلاقی «امر سیاسی» و خلا اندیشه در آن را بار دیگر مورد نقد قرار دهیم. نقدی که ممکن است به مذاق بسیاری خوش نیاید و اساس اشتباهات فاجعه‌بار دوره مدرن‌سازی بر «بنیادهای غلط تمرکز قدرت و ثروت» را از زیر آوار شانتاژ و پروپاگاندا بیرون کشیده و آنچنان که هست به معرض نمایش بگذارد.

منظور اصفهان را در اولویت قرار داده است، در حالی که این استان از نظر مولفه‌های یاد شده نسبت به استان‌های نوار غربی، شمال و شمال غرب، فاقد شرایط لازم است. عین چنین موضوعی را در سایر بخش‌ها نیز، مشاهده می‌کنیم. اما جمهوری اسلامی با توجه به اینکه مدت‌هاست بر اساس بنیادهای

هیچ تغییری در رویکر و مسیر به غایت «اشتباه» خود ایجاد نکرد! دلیل این مسئله نیز روشن بود؛ جمهوری اسلامی در پی انباشت قدرت و ثروت برای بازوی اصلی نگاه‌دارنده خود، یعنی سپاه پاسداران و عوامل وابسته بود. ساخت و گسترش سدهای مختلف دو دستور مهم را برای کلیت

استان‌های یادشده، تمرکز توسعه صنایع در آن‌ها انجام شده است و پرواضح است که چنین رویکردی موجب خسارات جبران‌ناپذیری مانند فرونشست، پایین رفتن سطح سفره‌های زیرزمینی، کمبود آب جاری، آلودگی فاجعه‌بار هوا و ... می‌شود.

بنابراین باید اذعان کرد که

که پایگاه اجتماعی حاکمیت مفروض داشته شده‌اند در اولویت فربه‌سازی و مناطقی که یحتمل پایگاهی برای مخالفان به ویژه اتنیسیته‌ها هستند؛ تحت دستورالعمل وابسته‌سازی هدایت و اداره می‌شوند.

با اتکا به این تحلیل اساسی است که می‌توان ریشه‌های

آنچه به عنوان تحلیل از وضعیت موجود و راهکار ارائه می‌شود، دیدگاه‌هایی هستند که با وجود صحت و سقم بسیاری از آنها، بدون در نظر گرفتن ماهیت و فلسفه وجودی حکام مسلط بر جغرافیای ایران مطرح و بعضا «پیشنهاد» می‌شوند.

کج‌دار و مریز و منطق بیمار خود، به استان اصفهان به عنوان یک «پایگاه مردمی» خود می‌نگرد و برای جلب رضایت مردمان این منطقه، اصل عقلانیت و برنامه را به دست فراموشی سپرده است. اگرچه با وجود تمام این واقعیات، شلیک به اصفهانی‌ها نیز با هدف حفظ نظام - که اوجب واجبات است - در دستور کار قرار گرفت و مردم این استان نیز بیش از پیش دریافتند که تعامل حکومت

جمهوری اسلامی در پی داشت، نخست استفاده تبلیغاتی از آن و برجسته‌سازی نقش سپاه و جهاد سازندگی در آنچه «عمران و آبادانی» جلوه داده می‌شد و دوم، برداشت حداکثری بودجه و تسلط بر حوزه صنایع.

برای روشن‌تر شدن مبنای تحلیلی این نوشته، یکی از این تعارضات منافع حاکمیت تمامیت‌خواه را با اساس توسعه عقلانی ذکر می‌کنیم. پرواضح است که

آنچه به عنوان تحلیل از وضعیت موجود و راهکار ارائه می‌شود، دیدگاه‌هایی هستند که با وجود صحت‌وسقم بسیاری از آن‌ها، بدون در نظر گرفتن ماهیت و فلسفه وجودی حکام مسلط بر جغرافیای ایران مطرح و بعضا «پیشنهاد» می‌شوند. در واقع این عدم دریافت و علم به جدیت وقوع بحران نیست که حاکمیت را به وادادگی سوق داده، بلکه دستگاه فکری - ایدئولوژیکی و توتالیتاریانیستی

تمرکز توسعه صنایع در مناطقی مانند قم، مشهد، اصفهان و تهران را دریافت و پرده از پدیده‌های کولبری و سوختبری برداشت. به عبارتی حاکمیت از بین دو گزینه توسعه و رشد مبتنی بر عقلانیت و از سویی دیگر توسعه نامتوازن ناشی از نگرش ایدئولوژیکی - سیاسی، مورد دوم را برگزیده است. به عبارتی ساده‌تر می‌توان گفت؛ توسعه و عقلانیت به طور مستقیم با

میلی‌متر در هر سال آبی، یک جغرافیای خشک با بارش‌های پایین‌تر از حد متوسط جهانی محسوب می‌شود. چنین داده‌هایی، برای یک «عقل سلیم» اخطار و هشدار جدی محسوب می‌آید که حال این سوال پیش می‌آید که آیا حکام مسلط بر این پهنه جغرافیایی، چنین موضوعی را با وجود در اختیار داشتن موسسات و نهادهای مختلف پژوهشی و تحقیقی، درک نکرده‌اند و یا اینکه اساسا مسئله به خواست و اراده آن‌ها مرتبط است؟ بدون شک مقامات جمهوری اسلامی بیش از ما هشدارهایی را از طرف مجامع علمی دریافت کرده‌اند و اینکه آن‌ها هشدارهای لازم در مورد چنین تهدیدهایی را دریافت نکرده‌اند و یا بر حسب اشتباه محاسباتی - مدیریتی، به عمق آن پی نبرده‌اند، ادعایی بیش نیست. اما چرا آن‌ها چنین مسئله بزرگی را در سازوکارهای مختلف اجرایی و برنامه‌ریزی نادیده گرفته‌اند؟ طبق شناختی که از ماهیت عقلانیت‌گرایز جمهوری اسلامی

از شنو تا کامیاران



جاوید

از زمانیکه خمینی رهبر رژیم اسلامی ایران فتوی جهاد علیه کوردستان را صادر نمود و ابوالحسن بنی صدر نخستین رئیس

«شهید نامری» (شهید جاویدان است) خود گواه بر این است رژیم ایران چه جایگاه و مقبولیتی در میان مردم کوردستان دارد. در مراسم تعزیه «حیدر قربانی» زنان با پوشیدن «جامانه» اعلام کردند اگرچه این ظلم تا چه اندازه سنگین و اندوهبار است اما در برابر این رژیم سکوت نخواهیم کرد.

شکنجه شده بود. اما وی در یک پیامی منتشر می‌کند: «من به اندازه یک تار مو از این رژیم ابایی ندارم. به هیچ وجه ترسی ندارم، حتی یک ذره هم از اراده من سست نشده است. خوشحالم برای ملت مبارزه کرده‌م. خوشحالم به علت فساد و کارهای ناشایست زندانی نیستم. این شرفی است

کشته می‌شود یا «حیدر قربانی» که استبداد و ستم ولایت فقیه را در کوردستان رد می‌کند. نیروهای رژیم ایران در کوردستان اخلاک‌گر هستند که آرامش و آسایش را مردم کوردستان گرفته‌اند یا زندانی سیاسی. به اعتراف خود مسئولان ارشد رژیم ایران که فرماندهان نظامی و سران

به مانند جمهوری اسلامی ایران رابطه سیاسی برقرار کرد. موضوعی که در اعدام‌های رژیم ایران در کوردستان برجسته است اتهام و جرایمی است که به زندانیان سیاسی منتسب می‌کند. آنان را «تروریست، اخلاک‌گر، ضد انقلاب، عوامل استکبار» می‌خواند. بر هیچ کس پوشیده

را بر کوردستان آشکار نمود. در تاریخ ۲۸ آذرماه «حیدر قربانی» زندانی سیاسی کورد ساکن کامیاران را به چویه دار سپرد. جنازه ایشان به مانند «هدایت» تحویل خانواده ایشان داده نشده است. در همان حال برادر «حیدر» را بازداشت کرده‌اند. نیروهای اطلاعات رژیم ایران مردم را تهدید

موضوعی که در اعدام‌های رژیم ایران در کوردستان برجسته است اتهام و جرایمی است که به زندانیان سیاسی منتسب می‌کند. آنان را «تروریست، اخلاک‌گر، ضد انقلاب، عوامل استکبار» می‌خواند. بر هیچ کس پوشیده نیست این زندانیان سیاسی نه اتهامی و نه جرمی به آنان وارد است. آنکه باید دادگاهی شود و مجرم است رژیم اشغالگر تهران است که برای تحمیل سیاست خود از هر ابزاری استفاده می‌کند.

اعلام کردند آنان برای فرزند شهید خود تا اندازه وفادار به ادامه راه ایشان هستند. امروز «حیدر قربانی» اعدام شد اما یک نکته را یادمان آورد زمانیکه پیشوا قاضی محمد رئیس جمهور کوردستان اعدام شد سخنی گهربار فرمودند: «امروز مرا اعدام خواهی کرد اما فردا هزاران قاضی محمد به میدان خواهند آمد». امروز کشف‌های «حیدر و هدایت»ها در هنگام اعدام نیز بر سر سران رژیم اسلامی ایران است. کشف‌هایی که رژیم اشغالگر تهران را در کوردستان نفی می‌کند. مردم کوردستان نیز اگرچه اندوهبار هستند اما بر فرموده دکتر «قاسملو» متکی هستند و استوار در میدان مبارزه علیه این رژیم هستند و سخن این رهبر را به یاد می‌آورند: «ما در روز شهیدان خود گریه نمی‌کنیم بلکه راه آنان را ادامه می‌دهیم».

لایق هر کسی نیست. من سرفراز هستم از اینکه مایه فخر و مباحث ملت خود هستم». این سخنان نشان از این است که همه گفته‌های رژیم ایران به ویژه دستگاه قضایی آن تنها بهانه‌جویی است برای اینکه بدخواهی خود را

دستگاه‌های اجرایی و امنیتی همکار استکبار هستند یا زندانی سیاسی. بر کسی پوشیده نیست رژیم اسلامی ایران آنچه را برای امنیت خود در یک چرخه می‌گرداند دوباره باز تولید می‌کند تا بتواند

نیست این زندانیان سیاسی نه اتهامی و جرمی به آنان وارد است. آنکه باید دادگاهی شود و مجرم است رژیم اشغالگر تهران است که برای تحمیل سیاست خود از هر ابزاری استفاده می‌کند. کدامیک تروریست است؟ رژیم

کرده‌اند نباید با خانواده ایشان همدردی کنند. قبرستان روستای «بزوش» نیز از سوی نیروهای اشغالگر رژیم ملیتاریزه شد تا جلوی هر گونه اعتراض مردم را بگیرند. از کانال‌های مدافع حقوق بشری

جمهور این رژیم دستور به نیروهای مسلح داد تا کوردستان آزاد نگردد پوتین‌های خود را از پای در نیاورند؛ کوردستان همچنان زیر تیغ این فتوا و پوتین‌های سربازان رژیم ایران است. در تاریخ ۲۲ اردیبهشت بهار ۱۳۹۹، رژیم ایران «هدایت عبدالله پور» زندانی سیاسی کورد ساکن شنو را تیرباران کرد. جنازه این زندانی سیاسی کورد تحویل خانواده ایشان داده نشد و مزار ایشان مفقود می‌باشد. در گواهی فوت متوفی رژیم علت فوت را برخورد با اجسام تیز عنوان کرده است. تیرباران این زندانی سیاسی یادآور اعدام زندانیانی کورد می‌باشد که از سوی نیروهای خلخالی در فرودگاه سنه اعدام شدند. تیرباران‌هایی که جان جوانان کورد را بدون هیچ گناهی می‌گرفت. جان‌هایی که قربانی فتوا و دستور پوتین بنی صدر شدند. بعد از حدود ۲۰ ماه از اعدام هدایت عبدالله پور رژیم اسلامی ایران باری دیگر چهره واقعی خود

«حیدر قربانی» زندانی سیاسی کورد کسی بود که به اجبار از وی اعتراف گرفته شده بود. ناخن‌های وی برای گرفتن اعتراف کشیده شده بود و با انواع شیوه‌ها شکنجه شده بود. اما وی در یک پیامی منتشر می‌کند: «من به اندازه یک تار مو از این رژیم ابایی ندارم. به هیچ وجه ترسی ندارم، حتی یک ذره هم از اراده من سست نشده است. خوشحالم برای ملت مبارزه کردم. خوشحالم به علت فساد و کارهای ناشایست زندانی نیستم. این شرفی است لایق هر کسی نیست. من سرفراز هستم از اینکه مایه فخر و مباحث ملت خود هستم».

به فرزندان کوردستان فرض کند. بر همگان معلوم است آنچه رژیم ایران می‌گوید تنها پرونده‌سازی است برای «حیدر قربانی». از سویی دیگر مردم کوردستان با حضور در جلو منزل «حیدر قربانی» اعلام کردند که کوردستان هیچ گاه جای رژیم اشغالگر ایران نبوده و نیست. شعار

بیشتر سرکوب کند. تروریست کسی است در کوردستان با تفنگ حکم اجرا می‌کند نه یک زندانی سیاسی کورد. «حیدر قربانی» زندانی سیاسی کورد کسی بود که به اجبار از وی اعتراف گرفته شده بود. ناخن‌های وی برای گرفتن اعتراف کشیده شده بود و با انواع شیوه‌ها

ایران یا زندانی سیاسی کورد؟ رژیمی که به علت فعالیت‌های تروریستی مورد تحریم قرار گرفته و از گروه‌های تروریستی حمایت می‌کند یا زندانی سیاسی کورد که علیه رژیم ایران ایستادگی می‌کند. فردی به نام «قاسم سلیمانی» تروریست است که از سوی آمریکا

بگذریم که برای نجات این دو زندانی چه کارهایی انجام دادند و چه کارهایی نه. اما آنچه مشهود است سکوت جوامع غربی در قبال رژیم است که حتی بعضی از سران این کشورها به حکم اعدام‌های جاری در ایران از سوی این رژیم اعتراض کرده و حتی خود را متهم کرده‌اند نباید با نظامی سیاسی



انقلاب دگرگونی سریع،گسترده یا ناگهانی در ساختار سیاسی،اجتماعی یا اقتصادی جامعه است .کلمه انقلاب در لغت به مفهوم دگرگونی و تغییر اساسی است،که ماهیت یک جامعه در آن تغییر بنیادین کند.

در معنای لغوی انقلاب به معنی تحول، قیام، ناآرامی، دگرگونی، واگشت، بهم خوردگی وضع موجود، باز گردیدن،واژگون کردن ،زیورو کردن، تبدیل صورتی به صورت دیگر و اتفاقی تقریبا ناگهانی و غیره این ها بخشی از معانی انقلاب هستند.

انقلاب در قالب های متفاوت شکل می گیرد من جمله انقلاب کشاورزی انقلاب صنعتی،انقلاب سیاسی و انقلاب علمی. چیزی که ما تمایل داریم در مورد آن بحث کنیم انقلاب سیاسی است و در توضیعی مختصر آن را تفصیل خواهیم کرد.اساسا بارزترین و برجسته ترین سؤالاتی که پیش می آید در مورد انقلاب این است که چرا مردم انقلاب می کنند و چگونه می توان انقلاب را پیش بینی کرد؟

قبل از هر چیز انقلاب با تعاریفی که از آن شده در عصر امروز یک پدیده تمام عیار مدرن است بدین معنی ما بعد از رنسانس شاهد انقلاباتی در جهان بوده ایم و به علاوه جهان از نیمه دوم قرن بیستم بیشترین انقلاب هارا شاهد بوده‌است.حالا به آن دو سوال اساسی می پردازیم.

۱. چرا مردم انقلاب می‌کنند؟

در دنیای مدرن فرم بیشتر حکومت ها شکلی توافقی دارد. اتفاقی ما بین خود حکومت و مردم ارتباطی دو طرفه که هر دو صرف قضیه به آن عایل هستند. در همچون مواقعی وقتی که حکومت قصد تغابن و حيله مقابل اجتماع دارد، این قرارداد نقض خواهد شد و طیفی می آیند قدرت را در دست می گیرند و اکثریت را به حاشیه می رانند که نمی‌توانند و نخواهند توانست که در مدیریت و از منابع سودآور مملکت سهمیم و بهره‌مند شوند و این طیف قدرت مطلقه تشکیل خواهند داد که شکاف طبقاتی مابین خود و جامعه به بیشترین حد ممکن می رسد.

این حکومت خودکامه که جمعی اندکی در آن سهم هستند، بیشترین نادیده گرفتن و کم ترین اهمیت را نسبت به جامعه اتخاذ می کند.

در چنین حالتی شکافی عمیق ایجاد خواهد شد یک شکاف که متشکل از دو عنصر است: عنصر اولی می توان انتظار مردم و توقع زندگی ایده‌ال که مردم در تصور آن هستند و عنصر دوم همان وضع موجود است که مردم با آن دست و پنجه نرم می کنند وضعی تاسف بار که هیچ وقت خودشان را سزاوار همچون موقعیتی نمی بینند که حاکمیت آن را به وجود آورده است.

انقلاب در ایران



به‌پیوندد .

۳. در حین انقلاب و بعد از انقلاب باید چه کار کرد؟

شروع انقلاب دست خود مردم است ولی پایان مبهمی دارد. برای همین انقلاب یک بازی خطر ناک محسوب می‌شود دقیقا مثل بازی شطرنج است صحنی وجود دارد و دو شخص مشغول بازی‌کردن هستند هر کدام در سعی و کوشش برای برد هستند با هر حرکتی از سوی هر مهره‌ای در مقابل طرف واکنشی دارد بازی ریسک پذیر که یک اشتباه منجر به باخت خواهد شد به همین دلیل در انقلاب باید دانست چکار کرد کجا و چگونه عمل کرد چونکه نظام حکمران به هر حيله‌ای متوسل می شود که طرف مقابل (مردم) را به زمین بزند، اقدام احساساتی منجر به وقایعی ناخوشایند می شوند که شکستی سنگین را ممکن است در پی داشته باشد.

براندازی و انقلاب طرح پیشنهاد شده در صرافت اجتماع، یقینا در همچون حالتی مردم دست به انقلاب و کنه حکومت می زنند. در انقلاب تغییرات بنیادی و سریع است، ارزش‌ها در جامعه عوض خواهند شد، از راههای غیر نهادی صورت می گیرد(در رفرم اصلاحات در چارچوب نهاد ها انجام می شوند) مقدسات نظام پیشین از هم پاشیده خواهند شد و موازنه قدرت سیاسی به کلی وارونه می شود. توقعات بر آورده نشده مردم از سوی حکومت و دولت، ظلم و خفقان،قلع و قمع، نادیده گرفتن نفیسات مردم، موهن قرار دادن کرامت انسانی جامعه از طرف نظام حاکم و غیره از اندک دلالتلی هستند که منجر به انقلاب می شود.

۲. چگونه می توان انقلاب را پیش بینی کرد؟

پیش بینی وقوع دقیق زمان انقلاب امری محال است انقلاب ساعت صفر دارد ممکن است در هر دقیقه‌ای رخ بدهد ولی با فراهم بودن شرایط آن؛ همه آن چیز های که ذکر شد زمینه های آماده سازی برای یک انقلاب هستند، در بافت فکری اجتماع باید انقلاب به عنوان یک اصل ضروری نهادهینه شود تا در موقع و زمان مناسب این انقلاب به وقوع

انقلاب در ایران



تاریخ چمباتمه زده بود و قطعا در حین حال ایران هم من جمله طعمه های بود که در دام شکار چیان سلطه گر افتاده بود و حکمرانی عاجز و قاصر قاجاریان مبدا این فرو دستی مملکت بود. پادشاهی خودکامه و رفتار مستبدانه دست اندرکاران قاجار مردم را بر آن داشت با توجه به سیر در اوضاع جهان که تحولی در سرنوشت خود بزنند و حدی را برای سلطنت بکشند این کار زمینه های قیام در زمان ناصرالدین شاه فراهم کرد. جنبش تنباکو اصل متعارفی بود و نقشی بزرگ را در این زمینه ایفا کرد ما زیاد نمی خواهم وارد مبحث تاریخی شویم بحث ما وقایع رخ داده تاریخی نیست برای همین خودمان را از آن دور می داریم.

وارد جزئیات سرنوشت ناصر الدین و قتل وی بعد از آن چه شد نخواهیم شد اما ضروری است یاد شود بعد از قتل ناصر الدین شاه قاجار در مراسم سالگرد ۵۰ ساله سلطنتش پسرش مظفرالدین خان ولیعهد او که تا آن زمان حاکم تبریز بود بر تخت جلوس پادشاهی نشست و ورقه‌ای تازه در تایخ معاصر ایران برگرداند .بدین معنا که در دوران وی مشروطیت سر گرفت ساده‌لوحی و نرم خویی و ناکارآمدی مظفرالدین شاه بزرگ ترین سود را به مشروطه خواهان رسانید،فشار های حداکثر مشروطه خواهان ،مظفرالدین شاه را ناچار به صادر کردن فرمان مشروطیت کرد به همین دلیل در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵فرمان مشروطیت از سوی خود مظفر الدین شاه قاجار به تحریر درآمد که نطق آن بر گرفته از محدود کردن اختیارت شاه و ایجاد مجلس شورای ملی که در آن جا قانون برای مملکت وضع شود.

با این کار مشروطیت سر گرفت اندکی بعد از آن با درگذشت شاه قاجار پسرش محمد علی شاه قاجار بر جایگاه پدری نشست. حالا این خود بحث مفصلی است

تاریخ چمباتمه زده بود و قطعا در حین حال ایران هم من جمله طعمه های بود که در دام شکار چیان سلطه گر افتاده بود و حکمرانی عاجز و قاصر قاجاریان مبدا این فرو دستی مملکت بود. پادشاهی خودکامه و رفتار مستبدانه دست اندرکاران قاجار مردم را بر آن داشت با توجه به سیر در اوضاع جهان که تحولی در سرنوشت خود بزنند و حدی را برای سلطنت بکشند این کار زمینه های قیام در زمان ناصرالدین شاه فراهم کرد. جنبش تنباکو اصل متعارفی بود و نقشی بزرگ را در این زمینه ایفا کرد ما زیاد نمی خواهم وارد مبحث تاریخی شویم بحث ما وقایع رخ داده تاریخی نیست برای همین خودمان را از آن دور می داریم.

وارد جزئیات سرنوشت ناصر الدین و قتل وی بعد از آن چه شد نخواهیم شد اما ضروری است یاد شود بعد از قتل ناصر الدین شاه قاجار در مراسم سالگرد ۵۰ ساله سلطنتش پسرش مظفرالدین خان ولیعهد او که تا آن زمان حاکم تبریز بود بر تخت جلوس پادشاهی نشست و ورقه‌ای تازه در تایخ معاصر ایران برگرداند .بدین معنا که در دوران وی مشروطیت سر گرفت ساده‌لوحی و نرم خویی و ناکارآمدی مظفرالدین شاه بزرگ ترین سود را به مشروطه خواهان رسانید،فشار های حداکثر مشروطه خواهان ،مظفرالدین شاه را ناچار به صادر کردن فرمان مشروطیت کرد به همین دلیل در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵فرمان مشروطیت از سوی خود مظفر الدین شاه قاجار به تحریر درآمد که نطق آن بر گرفته از محدود کردن اختیارت شاه و ایجاد مجلس شورای ملی که در آن جا قانون برای مملکت وضع شود.

کوردستان

اعمال رژیمي همچون جمهوری اسلامی ایران که جنایاتی مرتکب شده حتی اوراق تاریخی که پر از خونریزی و کشتار و سلاخی بوده‌اند. در مقابل اعمال این رژیم حیرت زده شده‌اند، شاید مباحثه از این جریانات چیزهای تقریبا تکراری باشد و اینجا بیشتر راجع به زوال رژیم خواهیم گفت. مبحث اساسی و پر اهمیت امروز جامعه ایران تغییر این رژیم است که چگونه و کی صورت می گیرد.

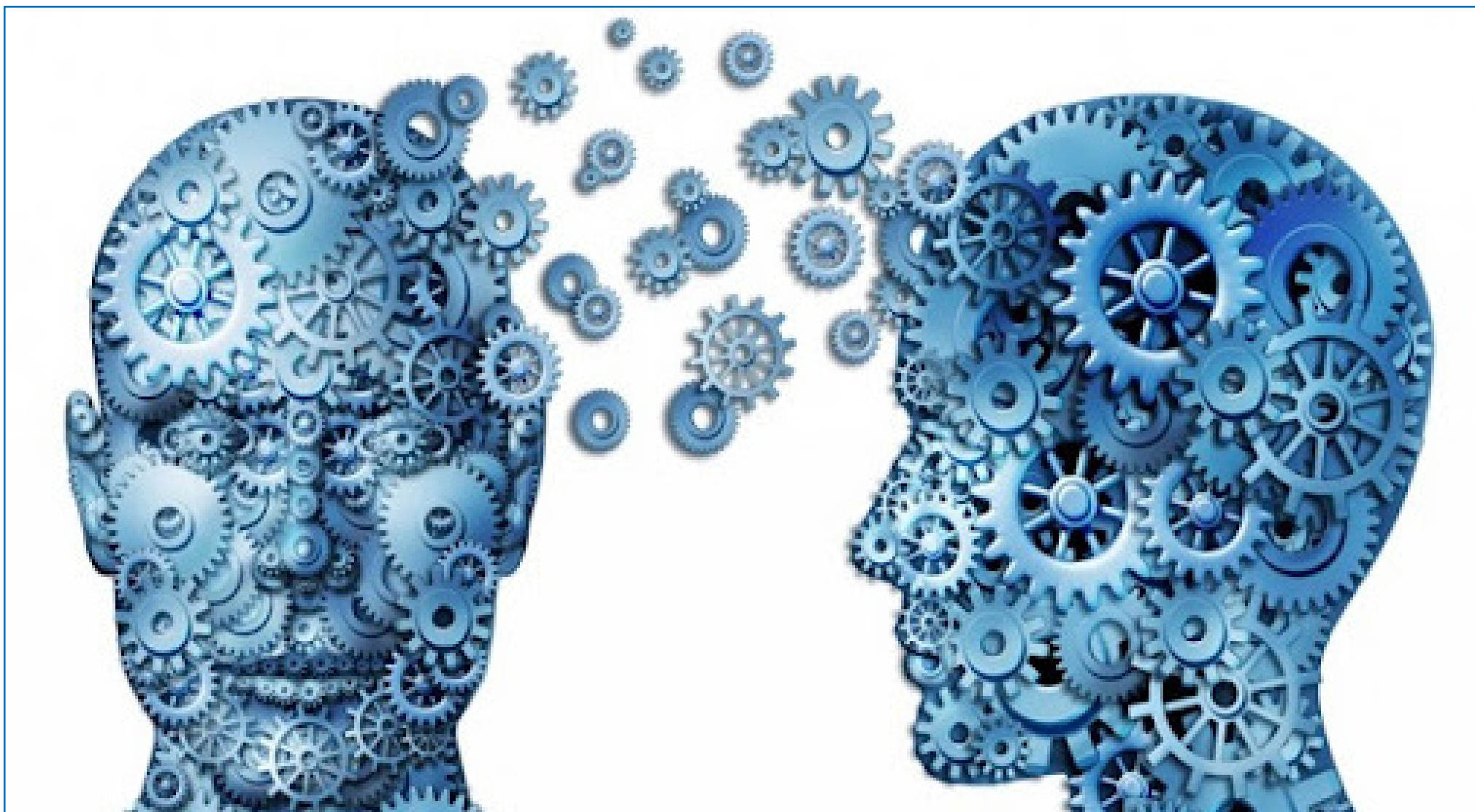
بعد از تظاهرات سال ۹۶ کارنامه‌ی رژیم وارد مرحله‌ای تازه شد که نابودی و اضمحلال رژیم را در پی دارد. شعار رادیکالی مشارکت کنندگان تظاهرات رک بدون هیچ پیشوند و پسوندی خواهان تغییر رژیم و سقوط نظام بودند و هستند. گرچه رژیم در ظاهر توانسته احوال موجود را کنترل و هدایت کرده است با حيله و مکرهای متفاوت پایه‌های لرزان نظامش را گرفته که دچار فرو پاشی نشود.

اما دیری نباید که سقوط او را در آغوش خواهد گرفت و نسل های آینده بس در اواراق تاریخ با آن آشنا خواهند شد. وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران به گونه‌ای است که تلاش های بی وقفه رژیم خمینی در بر طرف کردن آن عاجز است، گسسته شدن طناب‌های گره زده به اقتدار مادام العمر، این واقعیت را برای رژیم جمهوری اسلامی ایران رو کرد که آن هم محکوم به زوال و نابودی است، البته از همان اوایل محکوم به نابودی بود. الان این اصل بر همگان جلی است که سیر نزول تاریخ را می پیماید و سقوطی حتمی در پیش دارد.

با توجه به گفته‌هایمان در مورد بازی انقلاب که ریسک پذیر و اشتباهی ممکن است شما را در دایره باخت قرار دهد، همچون چیزی یکی دو بار برای انقلابیون و آزادیخواهان اتفاق افتاد ولی نه به عنوان یک شکست بلکه تنها مکشی کوچک در براندازی نظام بود. برای نظام ولایت فقیه روشن است که مردم در کمین اند تا که در فرصتی مناسب دست به شورش و انقلاب بزنند برای تغییر نظام و آزادی ایران در تلاش هستند.

گفته شد که انقلاب ساعت صفر دارد و در زمانی مشخص رخ نمی دهد ولی اتفاقات اخیر در منطقه و ایران دقیقه به دقیقه ما را به ساعت صفر نزدیکتر می کند. معضل های پیش رو که روی هم دیوار بنا کرده‌اند دقیقاً دخمه‌ای است برای رژیم جمهوری اسلامی ایران که آماده‌سازی برای آن است. آشکارترین آن مسئله تأمین آب شرب است که مثل ریسمانی آتشین به دور گردش حلقه خورده و نزدیک است او را از پای درآورد. با این وضعیت از تأمین آب آشامیدنی در این وقت سال بر هیچ کس پنهان نیست که کم کم با رسیدن بهار و آمدن تابستان مشکل به عمق خود خواهد رسید، احتمالا سر آغازی برای شروع دوباره تظاهرات و این بار سقوط قطعی رژیم ولایت مطلقه فقیه را در پی داشته باشد.

اهمیت و کاربرد علم روانشناسی برای سازمان های اطلاعاتی رژیم نامشروع جمهوری اسلامی



پیشوا صالحی

همانگونه که بیان شد در طول تاریخ بسیاری از قدرتها مخصوصا رژیم های مستبد برای پیروزی در نبردها و رویارویی با مخالفانشان به منظور دستیابی به نتیجهای که در راستای منافعشان باشد از علم روانشناسی استفاده بعمل آوردهاند، برای نمونه در جنگ

می باشد و در اوایل تاسیس اسرائیل تشکیل شده است یکی از سازمان های اطلاعاتی موفق در جهان محسوب می شود که به شاخه های علم روانشناسی بسیار اهمیت می دهد به همین دلیل در رابطه با کنترل و سرکوب مخالفان حکومت اسرائیل و همچنین جمع

سازمان اطلاعات و عملیات ویژه (موساد)؟ آیا رابطه ای در این بین وجود دارد؟ سازمان اطلاعات و عملیات ویژه (موساد) در تشکیل، سازماندهی و تعلیم کارمندان سازمان های اطلاعاتی بسیاری از کشورهای جهان از جمله

رژیم دیکتاتوری پهلوی با استفاده از شگردهای علم روانشناسی سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) را به گونه ای برای مردم جلوه می دادند که از همه ی رویدادها باخبر است حتی مکالمات عادی و روزمره ی مردم، عملکردی که یکی از مهمترین

و تغییر آن ناامنی دامنگیرشان خواهد شد. نمونه های متعددی وجود دارند که استفاده از علم روانشناسی توسط سازمان های اطلاعاتی رژیم را در زمینه ی سرکوب، کنترل و شستشوی مغزی و همچنین جمع آوری اطلاعات را برایمان ثابت می

در طول تاریخ بسیاری از قدرتها مخصوصا رژیم های مستبد برای پیروزی در نبردها و رویارویی با مخالفانشان به منظور دستیابی به نتیجه ای که در راستای منافعشان باشد از علم روانشناسی استفاده بعمل آورده اند، برای نمونه در جنگ های جهانی اول و دوم و در دوران جنگ سرد استفاده از شاخه های علم روانشناسی در نتایج جنگ ها بسیار تاثیرگذار بود به گونه ای که هر کدام از طرفین نبرد اهمیت بیشتری برای علم روانشناسی قائل می شد احتمال پیرویشان در میادین نبرد نیز بیشتر می شد.

پرسشی که در این رابطه به میان می آید این است که قدرتها و رژیم های مستبد چگونه از علم روانشناسی به عنوان وسیله ای برای دستیابی به اهداف شومشان که همانا سوءاستفاده و در بند کشیدن انسانها، کنترل و شکست طرف مقابل و همچنین از میان برداشتن مخالفانشان استفاده به عمل می آورند.

برای دستیابی به جواب این پرسش باید مروری داشت بر چگونگی بکارگیری علم روانشناسی در رویدادهای مهم جهان از ابتدای قرن نوزدهم میلادی تا به امروز، رویدادهایی که پیشرفت و پیدایش علم روانشناسی تاثیرات قابل توجهی در نتایج آنها بر جای گذاشته است.

های جهانی اول و دوم و در دوران جنگ سرد استفاده از شاخه های علم روانشناسی در نتایج جنگ ها بسیار تاثیرگذار بود به گونه ای که هر کدام از طرفین نبرد اهمیت بیشتری برای علم روانشناسی قائل می شد احتمال پیرویشان در میادین نبرد نیز بیشتر می شد. نمونه ی دیگری که در این رابطه می توان به آن اشاره کرد استفاده از علم روانشناسی در زمینه ی جاسوسی، جمع آوری اطلاعات و شستشوی مغزی می باشد که در بسیاری از موارد به وسیله ای برای سرکوب، کنترل یا از میان برداشتن طرف مقابل یا مخالفان به کار گرفته می شود، برای نمونه سازمان اطلاعات و عملیات ویژه (موساد) که یکی از سازمان های سه گانه ی اطلاعاتی اسرائیل

آوری اطلاعات به گونه ای عمل کرده است که جهانیان را متحیر ساخته است. همانگونه که بیان شد سازمان اطلاعات و عملیات ویژه (موساد) برای محقق ساختن اهداف اسرائیل از علم روانشناسی استفاده ای ویژه به عمل می آورد به همین دلیل است که تا به حال در مقابل تهدیدات خارجی و داخلی و جمع آوری اطلاعات به گونه ای موفقیت آمیزی عمل کرده است، در این رابطه پرسشی به میان می آید که چرا با وجود اینکه موضوع این متن در رابطه با اهمیت و کاربرد علم روانشناسی برای سازمان های اطلاعاتی رژیم نامشروع جمهوری اسلامی ایران است و با وجود سازمان های اطلاعاتی موفق متعددی در سطح جهان چرا

سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) نقش قابل توجهی داشته است سازمانی که پس از سرنگونی رژیم دیکتاتوری پهلوی و بر سر کار آمدن رژیم نامشروع جمهوری اسلامی ایران منحل و پس از گذشت پنج سال، در سال ۱۳۶۲ با عنوانی به نام وزارت اطلاعات تشکیل شد، در اصل تشکیل وزارت اطلاعات راه اندازی سازمانی مخوف همچون سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) بود اما این بار با نامی دیگر، در کل می توان این چنین بیان کرد که شیوه ی کار و سازماندهی نهادهای امنیتی رژیم جعلی حاکم بر جغرافیای سیاسی ایران در مقایسه با ساواک تغییرات چشمگیری نداشته است، برای نمونه در دوران سردمداری

شگردهای سازمان اطلاعات و عملیات ویژه (موساد) می باشد، سازمان های اطلاعاتی رژیم جعلی حاکم بر جغرافیای سیاسی ایران نیز چنین تصویری را برای مردم پدید آورده اند به گونه ای که فرد به بستگان و دوستان خود نیز شک داشته باشد.

هر گاه سازمان های امنیتی رژیم جعلی جمهوری اسلامی در مقابل اعتراضات مردمی قرار می گیرند به منازل و اموال شخصی مردم خسارت وارد می کنند، به اعتقادات دینی، مذهبی و مقدسات مردم حمله ور می شوند و به وسیله ی فنون روانشناسی آزادیخواهان را اختشاشگر و وابسته به دشمنان فرضی نام می برند و تصویری را در ذهن مردم ایجاد می کنند که در نبود رژیم

کند، این بدان معنا می باشد که استفاده از علم روانشناسی برای سازمان های اطلاعاتی بسیار مهم است، در پایان نیز پرسشی که در این زمینه به میان می آید این است که راه حل چیست و چه باید کرد؟ همانگونه که استفاده از علم روانشناسی برای رژیم حائز اهمیت است باید برای مبارزان آزادیخواه اپوزیسیون رژیم نیز مهم باشد، اهمیت دادن به علم روانشناسی در مبارزات احزاب و سازمان های اپوزیسیون رژیم و همچنین آگاه سازی مردم از تاثیرات سازمان های اطلاعاتی رژیم بر تفکراتشان به وسیله ی فنون روانشناسی می تواند به مانند آلترناتیفی در برابر تهاجمات رژیم بر تفکرات مردم آزادیخواه عمل نماید.



بەدە

هەروێه رەمەزانی

بە استقبال خۆڕشید



دستگاه تبلیغات و اطلاع‌رسانی
حزب دمکرات کوردستان ایران